

## اصالت سخنان امام علی<sup>(ع)</sup> درباره آفرینش انسان و حیوان و نقد

### شبهات

مهدی مردانی (گلستانی)\*

مرتب‌ی دانشگاه قرآن و حدیث قم

فاطمه معصومی\*\*

کارشناسی ارشد دانشگاه قرآن و حدیث قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۱۴)

### چکیده

از زمان تألیف نهج‌البلاغه به قلم سید رضی تا به امروز، انتقادهایی درباره انتساب آن به امام علی<sup>(ع)</sup> و گردآورنده‌اش وارد شده است. برخی از ناقدان اهل سنت در تبیین این شبهه، توصیف‌های دقیق امام علی<sup>(ع)</sup> درباره آفرینش موجودات را به عنوان سند ادعای خویش مطرح نموده‌اند و چنین اظهار داشته‌اند که سبک این دست از سخنان امام<sup>(ع)</sup> مربوط به دوره عباسیان است و این گونه بیان‌ها در زمان حیات امام علی<sup>(ع)</sup> رایج نبوده است. لیکن با بررسی متون مختلف ادبی، روایی و نیز تحلیل تاریخی فضای صدور سخنان معلوم گردید که نه تنها در عصر امام علی<sup>(ع)</sup>، بلکه در دوره پیش از ایشان نیز این سبک از توصیف موجودات رایج بود و خطبا و شعرای عرب بدان توجه نشان داده‌اند. در این مقاله، پس از گردآوری ارزیابی و تبیین دیدگاه ناقدان، بر پایه مستندات تاریخی به نقد آنها پرداخته و اثبات شده است که شبهه یاد شده از مایه‌های علمی برخوردار نیست و صرفاً به انگیزه تضعیف اعتبار نهج‌البلاغه بیان شده است.

**واژگان کلیدی:** شبهه‌های نهج‌البلاغه، تحلیل تاریخی، توصیف دقیق موجودات، خلقت

حیوانات، خلقت انسان.

---

\* E-mail: mardani1400@gmail.com

\*\* E-mail: fmasomiy@gmail.com (نویسنده مسئول)

## مقدمه

کتاب *نهج البلاغه* مجموعه‌ای از سخنان گهربار امام علی<sup>(ع)</sup> است که در پایان قرن چهارم هجری به قلم سید رضی در سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها جمع‌آوری شده است. ویژگی‌های برجسته این کتاب شریف موجب شد تا بسیاری از عالمان و اندیشمندان اسلامی در برابر این اثر کم‌نظیر سر تعظیم فرود آرند و زبان به ستایش و تجمید آن بگشایند، چنان‌که محمد عبده، مفتی بزرگ مصر گفته است: «همه دانشمندان و آگاهان این زبان معتقدند که سخن علی<sup>(ع)</sup> بعد از کلام خداوند متعال و پیامبرش، برترین و بلیغ‌ترین، در جوهر و مایه، پربارترین، در شیوه و سبک، بلندترین و در معنی، جامع‌ترین کلام است» (عبده، بی‌تا، ج ۱: ۱۲). این در حالی است که همین خصوصیات تحسین‌برانگیز نه تنها در دل برخی افراد کوتاه‌نظر و نادان اثر نداشته است، بلکه آنان را به جبهه‌گیری و ایراد شبهات و انتقادات درباره آن واداشته است: ﴿...وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ (الإسراء / ۸۲).

کهن‌ترین سابقه شبهه‌افکنی در *نهج البلاغه* مربوط به ابن‌خلکان اربلی (۶۰۸-۶۸۱ ق.) در کتاب *وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان* است (ر.ک؛ ابن‌خلکان، بی‌تا، ج ۳: ۳۱۳). بعد از وی نیز نویسندگانی از اهل سنت نقدهای مطرح کرده‌اند که یا تکرار سخن ابن‌خلکان بوده، یا بر آن افزوده نیز داشته است.<sup>۱</sup>

نقدهای مربوط به انتساب *نهج البلاغه* به امام علی<sup>(ع)</sup> خود به دو گروه تقسیم می‌شود: الف) نقد محتوایی. ب) نقد صوری. نقد محتوایی ناظر به مفاهیم و مطالب مندرج در *نهج البلاغه* است؛ مانند مسائل اعتقادی، علمی، عقلی. نقد صوری نیز نقدی است که ناظر به نوع گفتار و نوشتار مطالب مندرج در این کتاب است. نقد محتوایی در *نهج البلاغه* نمونه‌هایی دارد؛ مانند کاربرد اصطلاحات فلسفی در *نهج البلاغه*، توصیف‌های دقیق امام<sup>(ع)</sup> در بیان آفرینش مخلوقات، به‌کارگیری تقسیم‌های عددی در *نهج البلاغه*. درباره نمونه‌های نقد صوری در *نهج البلاغه* نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد: به‌کارگیری سجع در عبارات، طولانی بودن خطبه‌ها، تقسیم‌های عددی و... اما نقدی که در این مقاله موضوع تحقیق قرار گرفته است، توصیف دقیق امام علی<sup>(ع)</sup> در باب آفرینش انسان و حیوان است که از یک سو، به دلیل پرداختن به معارف *نهج البلاغه* و توصیف‌های امام<sup>(ع)</sup>، در زمره

نقد محتوایی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، به دلیل بررسی سبک و اسلوب سخن جزء نقد صوری به شمار می‌آید. اما برخی پرسش‌هایی که در این پژوهش بررسی شده، از این قرار است: آیا نقدی که اهل سنت وارد کرده‌اند، موجب تضعیف اعتبار نهج‌البلاغه شده است؟ آیا استدلال مخالفان درباره توصیف‌های امام<sup>(ع)</sup> قابل اعتنا و از مایه‌های علمی برخوردار است؟ همچنین آیا سبک و اسلوب امام<sup>(ع)</sup> در توصیف مخلوقات مربوط به دوره‌های پس از ایشان بوده است؟

## ۱- طرح مسئله

### ۱-۱) گزارش دیدگاه مخالفان

اولین گام در یک نقد منصفانه و عالمانه آن است که سخن مخالف شنیده شود، نقطه‌نظرهای او سنجیده شود و همه جوانب و ابعاد آن فهم گردد، سپس بر اساس متعاهایی که در کلام وی به کار رفته است، به نقد و ارزیابی آن پرداخته شود. از این رو، برای ارزیابی دیدگاه کسانی که به نهج‌البلاغه نقد وارد کرده‌اند و توصیف دقیق مخلوقات را مستند خود قرار داده‌اند، شایسته است که ابتدا سخن آنان نقل و بررسی گردد.

احمد زکی صفوت (متوفی ۱۹۳۴ م.) که یکی از نویسندگان اهل فن سنتی است، در کتاب ترجمه علی‌بن ابی‌طالب، شبهه توصیف حیوانات را چنین مطرح می‌کند: «توصیف دقیق، سجع و آرایه‌های ادبی [که در نهج‌البلاغه آمده،] از جمله اموری است که در صدر اسلام شناخته نبود و سابقه نداشت» (زکی صفوت، ۲۰۰۷ م: ۵۶). احمد امین (متوفی ۱۹۵۴ م.) مؤلف کتاب فجرالاسلام نیز در بخشی از کتاب خود درباره این شبهه نهج‌البلاغه آورده است: «نهج‌البلاغه را که مشتمل بر بسیاری از خطبه‌ها، دعاها، نامه‌ها، موعظه‌ها و حکمت‌هاست، به علی<sup>(ع)</sup> نسبت داده‌اند، در حالی که در مجموع، این کتاب برخی از منتقدان قدیم و جدید مانند صفدی و هوار تشکیک کرده‌اند. آنچه که موجب این تردید شده، اموری چند است؛ از جمله معانی دقیق و آراسته در اسلوب و سبکی که جز در عصر خلفای عباسی شناخته نشده است؛ مانند آنچه در وصف طاووس می‌بینی» (امین، بی‌تا، ج ۱: ۱۷۵-۱۷۶).

محمد محیی‌الدین عبدالحمید (متوفی ۱۹۷۲ م.) در مقدمه‌ای که بر شرح نهج‌البلاغه محمد عبده نوشته، آورده است: «[سومین امری که موجب تردید برخی از عالمان اهل سنت در انتساب

نهج‌البلاغه گردید آن است که [در نهج‌البلاغه دقت در توصیف، استخراج ویژگی‌های موصوف و به‌کارگیری فکر و نهایت دقت وجود دارد، چنان‌که در توصیف خفّاش، طاووس، مورچه و ملخ دیده می‌شود، [در حالی که] عالمان و ادیبان صدر اسلام به هیچ یک از آن توجه نداشته‌اند و تنها بعد از ترجمه کتب ادبی و فلسفی یونانی و فارسی است که عرب با آن آشنا گردید» (عبده، بی‌تا: ۴).

همچنین محمد سید کیلانی (معاصر) در ادامه جریان انتقادی یاد شده چنین گفته است: «سومین موضوعی که [موجب تضعیف نهج‌البلاغه می‌گردد و یا حتی] بر شک و تردید تو می‌افزاید، آن است که بسیاری از خطبه‌های نهج‌البلاغه در بر دارنده علمی است که تنها پس از گذشت زمان بسیار از عصر علی<sup>(ع)</sup> در جامعه اسلامی شناخته شد؛ مانند توصیف‌هایی که درباره مورچه، خفّاش و طاووس بیان شده است» (سید کیلانی، ۱۹۴۷ م: ۵۱-۶۷). در نهایت، محمدطاهر درویش (معاصر) در کتاب *الخطابه فی صدر الإسلام* به این شبهه اشاره کرده و گفته است: «در نهج‌البلاغه وصف طاووس، خفّاش، زراعت، ابرها و دیگر مخلوقات صورت گرفته است که با تأمل در آنها انسان [در نسبت آن به علی<sup>(ع)</sup>] تردید می‌کند و گاه به نفی آن بیشتر متمایل می‌شود تا اثبات آن، چراکه این سخنان آراسته در سبک و اسلوبی بیان شده است که به عصر عباسیان بیشتر شبیه است تا عصر علی<sup>(ع)</sup>» (درویش، ۱۹۶۷ م: ۳۳۰-۳۳۳). اما شیخ عزیزالله عطاردی مصحح شرح نهج‌البلاغه از مؤلف ناشناخته قرن هشتم، به نقل از یکی از معترضان نهج‌البلاغه در باب توصیف طاووس نکته جدیدی بیان کرده است: «در نهج‌البلاغه وصف طاووس و خصوصیات آن به میان آمده است، حال آنکه تردیدی وجود ندارد که طاووس در حجاز زندگی نمی‌کرد، پس علی بن ابی‌طالب کجا آن را دیده است که این گونه آن را توصیف می‌کند و با دقت از خلقت، رنگ و نوع لقاح آن خبر می‌دهد، گویا روزهای بسیاری با طاووس به سر برده است» (شرح نهج‌البلاغه، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۱).

## ۲-۲ تبیین و جمع‌بندی آراء

اگر بخواهیم سخنان این گروه از منتقدان نهج‌البلاغه را جمع‌بندی کنیم و دیدگاه آنان را ارزیابی نماییم، باید گفت که کلمات مخالفان به دو بخش اصلی قابل تقسیم است: اول اشکال‌هایی است که نسبت به سبک و اسلوب سخنان امام علی<sup>(ع)</sup> در توصیف مخلوقات بیان شده است و این خود به

دو گروه توصیف حیواناتی همچون خفاش، ملخ، مورچه و طاووس و نیز توصیف مخلوقاتى مانند ابر، زراعت، انسان و... قابل تقسیم است و بخش دوم اشکالی است که تنها در باب طاووس و محلّ زندگانی آن وارد شده است. از منظر دیگر، انتقادهای اهل سنت در این باره، حاوی نکاتی چند است که می‌توان به صورت خلاصه و به شرح ذیل تبیین کرد:

۱- توصیف دقیقی که درباره برخی حیوانات بیان شده، بر سبک و اسلوبی است که جز در عهد عباسیان شناخته شده نیست و جامعه عرب تنها بعد از ترجمه کتب یونانی و فارسی با آن آشنا گردید.

۲- زیستگاه حیوانی چون طاووس که در نهج البلاغه وصف شده، در جزیره العرب نبوده است و توصیف چنین حیوانی از زبان امام<sup>(ع)</sup> امکان نداشته است.

## ۲-۲) نمونه توصیفات امام<sup>(ع)</sup>

### ۲-۳-۱) توصیف آفرینش حیوانات

برای ارزیابی آگاهانه و داورى عالمانه باید اطلاع دقیق و روشنی از موضوع شبهه داشت. برای این منظور، ضروری است متونی را که اهل سنت به عنوان مصادیق شبهه معرفی کرده‌اند، مطالعه کنیم و ادعای آنان را درباره توصیف‌های دقیق راستی‌آزمایی نماییم. یکی از این دست توصیف‌ها، خلقت حیوانات است:

### الف) توصیف مورچه

«بنگرید به مورچه و خردی جثّه و لطافت آن، در برون و نهان چنان است که به گوشه چشمش نتوان دید و با اندیشیدن به چگونگی خلقت آن نتوان رسید. چگونه بر زمین جنبد و به روزی خود خنبد. دانه را به لانه خود برد و در قرارگاه خویش آماده‌اش کند و اگر بنگری در گذرگاه‌های خوراک او که - چسان - از بالا و زیر - پیوسته است به هم و آنچه درون اوست از غضروف‌های آویخته به دنده تا شکم؛ و آنچه در سر اوست، از چشم و گوش هم، از آفرینش او جز شگفتی نتوانی» (شریف‌الرّضی، ۱۳۷۸: ۱۸۵).

### ب) توصیف خفّاش

«پس شبپره در روز پلک‌ها را بر سیاهی دیده‌ها اندازد و شب را چراغی سازد که در جست‌ن روزی خود از آن راه یابد؛ و سیاهی شب دیده‌هاش را نبندد و به خاطر تاریکی انبوه از رفتن در شب رخ برنتابد. پس پاک و منزّه است؛ خدایی که شب را روز او کرده است و هنگام فراهم کردن معیشت، و روز را وقت آسایش و گاه استراحت؛ و برای آن از گوشت وی بال‌هایی ساخته است تا هنگام نیاز به پرواز بدان بالا رود؛ بال‌هایی که چون لاله گوش از پَر و انبوه پرداخته است، و شبپره را دو بال است، نه چندان نازک که در هم شکند و نه چندان ستبر که سنگینی کند. می‌پرد، و بچه او بدو چسبیده است و به مادر پناهیده» (همان: خ ۱۵۵).

### ج) توصیف ملخ

«و اگر خواهی از ملخ بگویم که دو دیده سرخ آفرید برای آن، و دو حدقه برایش افروخت چون ماه تابان، و او را گوشی بداد پوشیده و پنهان، و برایش دهانی گشود به اعتدال، و حسی نیرومند و به کمال، و دو دندان پیشین که بدان‌ها ببرَد، و دو پای داس مانند که بدان‌ها چیزی را بگیرد» (همان: خ ۱۸۵).

### د) توصیف طاووس

«و شگفت‌انگیزتر آن پرندگان در آفرینش، طاوس است که آن را در استوارترین هیئت پرداخت و رنگ‌های آن را به نیکوترین ترتیب مرتّب ساخت، با پری که نای استخوان‌های آن را به هم درآورد، و دُمی که کشش آن را دراز کرد. چون به سوی ماده پیش رود، آن دُم درهم‌پیچیده را وا سازد و بر سر خود برافرازد که گویی بادبانی است برافراشته و کشتیبان زمام آن را بداشته. به رنگ‌های خود می‌نازد، و خرامان خرامان دُم خود را بدین سو و آن سو می‌بَرَد و سوی ماده می‌تازد. چون خروس می‌خیزد و چون نرهای مست شهوت با ماده درمی‌آمیزد. این داستان که تو را گویم، داستانی است از روی دیدن، نه چون کسی که روایت کند، بر اساس حدیثی ضعیف شنیدن. پنداری نای‌های پَر او، شانه‌هاست از سیم ساخته، و آن گردی‌های شگفت‌انگیز آفتاب مانند که بر پَر او

رُسته است، از زرناب و پاره‌های زبرجد پرداخته، و اگر آن را همانند کنی بدانچه زمین رویانیده، گویی گل‌های بهاره است، از این سوی و آن سوی چیده، یا چون برد یمانی زیبا» (همان: خ ۱۶۵).

## ۲-۳-۲) توصیف آفرینش انسان

دسته دیگر از موضوع‌هایی که امام علی<sup>(ع)</sup> به وصف دقیق و علمی آن پرداخته، خلقت انسان است. از جمله این متون، سخنی است که درباره طینت انسان بیان فرموده است:

«سرشت مردمان از یکدیگر جداشان ساخته است، و میانشان تفرقه انداخته که ترکیبشان از پاره‌های زمین است که شور و یا شیرین است، و خاکی درشت یا نرمین. پس، آنان به اندازه نزدیکی زمینشان با هم سازوارند، و به مقدار اختلاف آن از یکدیگر به کنار. پس نیکوچهره‌ای بینی کانا و کوتاه‌همتی درازبالا و نیکوکرداری زشت‌منظر، و خردجته‌ای ژرف‌نگر، و نیک‌سریرتی با سیرت ناخوش و سرگشته‌دلی آشفته‌هش، و گشاده‌زبانی گویا با دلی آگاه و بینا» (همان/ خ ۲۳۴).

ایشان در توصیف مرحله دیگری از آفرینش انسان به تکون خلقت در رَحِم اشاره کرده‌اند و فرموده‌اند: «خداوندش در ظلمت زهدان‌ها و درون غلاف‌ها و پرده‌ها پدید آورد. نطفه‌ای بود جهنده و خونی لخته شده، بی‌هیچ صورتی» (همان: خ ۸۳).

همچنین در باب اعضاء و جوارح انسان زبان به توصیف گشوده، می‌فرماید: «با پیه می‌نگرد و با گوشت سخن می‌گوید و با استخوان می‌شنود و از شکافی دم برمی‌آورد» (همان: ح ۸).

## ۳- ارزیابی و نقد اشکال

کتاب *نهج‌البلاغه* از معدود آثاری است که از عصر تألیف با استقبال اندیشمندان اسلامی مواجهه بوده است و آثار بسیاری در پیرامون آن نگاشته شده است.<sup>۲</sup> این همه، نگاه به *نهج‌البلاغه* و اعتبار آن همیشه یکسان نبوده است و برخی از نویسندگان اهل سنت با رویکردی انتقادی مطالب آن را به چالش کشیده‌اند و نقدهایی را وارد ساخته‌اند، لیکن اکثر کسانی که در این باره قلم زده، داد سخن سر داده‌اند، انگیزه‌ای علمی نداشته‌اند و تنها به هدف خرده‌گیری و تضعیف *نهج‌البلاغه* به نقد آن دست یازیده‌اند. در این صورت، اگر افرادی بخواهند به این نقدها پاسخی منطقی بدهند، آنها باز

به کار خود ادامه خواهند داد و اعتنایی به این جوابها نمی‌کند، چراکه اساساً هدف آنها آگاهی و پاسخ‌یابی نبوده است، بلکه از روی غرض‌ورزی و انگیزه‌های غیرعلمی به طرح این نقدها پرداخته‌اند.

### ۳-۱) تضعیف اشکال از سوی مخالفان

برای نمونه، نقد توصیف‌های دقیق امام<sup>(ع)</sup> درباره آفرینش مخلوقات از جمله نقدهای ضعیف و سستی است که صلاحیت اعتنا و توجه علمی را ندارد؛ زیرا از یک سو، بررسی و ارزیابی استدلال قائلان آن نشان می‌دهد که آنان هیچ شناختی از تاریخ ادب عرب و منابع آن نداشته‌اند و از سوی دیگر، برخی از مخالفان، خود بر این نقد ایراد گرفته‌اند و آن را تضعیف کرده‌اند. گواه این سخن، احمد زکی صفوت است که درباره این شبهه گفته است: «وَأَخَالَكَ بَعْدَ إِجَالَةِ النَّظْرِ فِي هَذَا الْوَصْفِ تُحْكَمُ إِنَّهُ لَا أَثَرَ لِلدَّقَّةِ فِيهِ، وَإِنَّمَا هُوَ فِي الْوَأَقِيعِ مَقَالٌ وَعَظِي تَذَكِيرِي وَلَيْسَ مِنَ الْوَصْفِ الْعِلْمِي فِي شَيْءٍ» (زکی صفوت، ۲۰۰۷ م: ۱۲۷).

از نگاه صفوت، زمانی که به این توصیف‌ها نگاه می‌کنید، متوجه می‌شوید که این سخنان از نوع وعظ، ارشاد و تذکر است و این توصیف‌ها هیچ گونه جنبه علمی دقیق ندارند، بلکه امام می‌خواهد با اشاره به کیفیت آفرینش این مخلوقات توجه مخاطب خود به قدرت خالق را جلب نماید.

اما ناقد دیگری که از دامن‌زندگان به این شبهه بود، محمد طاهر درویش، مؤلف کتاب *اثر الخطابة فی صدر الإسلام* است که اذعان داشته این توصیفات به تبعیت از سبک قرآن رخ داده است، چراکه امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> شاگرد قرآن بود و او این درس را از قرآن آموخته است: «رَبِّمَا قَرَّبَ إِلَيَّ الْعُقُولِ أَنْ تَرَى فِي هَذِهِ الْأَوْصَافِ دَرَساً دَعَاهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَنِ الْقُرْآنِ حِينَ وَصَفَ النَّحْلَ وَ النَّمْلَ وَ الطَّيْرَ وَ الْأَجْنَةَ فِي الْأَرْحَامِ وَ أَمَرَ بِالنَّظْرِ فِي الْمَخْلُوقَاتِ وَ التَّأَمُّلِ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (درویش، ۱۹۶۷ م، ج ۱: ۳۳۰-۳۳۳).

بالآخره محمد محیی‌الدین عبدالحمید پس از نقل این شبهه به تضعیف آن پرداخته، گفته است که من در شگفتم چگونه برخی این مطلب را دلیل بر ادعای خود (ضعف نهج البلاغه) قرار داده‌اند، در حالی که اشعار عرب سرشار از این گونه توصیف‌ها است: «فَأَنَا لَأَنْقَضِيَ الْعَجَبَ مِنْ جَعَلِهِ سَبَباً لِهَذِهِ



الدَّعْوَى، وَمَتَى كَانَتْ دِقَّةُ التَّخَيُّلِ وَإِجَادَةِ الْوَصْفِ وَقَفًا عَلَى قَوْمٍ دُونَ قَوْمٍ أَوْ لَيْسَ الشَّعْرُ الْغَرِيبِيُّ مَمْلُوءًا بِدِقَّةِ الْوَصْفِ وَاسْتِكْمَالِهِ» (عبده، بی تا: ۶).

### ۲-۳) مستندهای تاریخی کلام امام علی<sup>(ه)</sup>

در پاسخ به شبهه مورد بحث، باید به نمونه‌هایی اشاره کرد که هم از نظر سبک و محتوا با سخنان امام علی<sup>(ع)</sup> همخوانی داشته باشد و هم از نظر تاریخی در صدر اسلام و یا حتی عصر جاهلی رواج داشته باشد. شعراء و خطبای جاهلی در اشعار و سخنرانی‌های خود به فخر، حماسه، وصف و... می‌پرداختند و ویژگی‌ها، آداب و رسوم زندگی بادیه‌نشینانی نیز در اشعار و سخنان آنان نمایان بود. آنان آنچه را که در اطراف خود می‌دیدند، به صورت واقع‌گرایانه توصیف می‌کردند. تمثیل طبیعت یکی از ویژگی‌های بارز شعر جاهلی است و توصیف حیوانات و نباتات ویژگی دیگر شعر جاهلی است که نمونه‌هایی چون توصیف شتر، اسب، رعد و برق، شب، خورشید، بیابان و... به خوبی در متون آنان قابل پی‌جویی است (ر.ک؛ جمعه، ۲۰۱۰ م: ۸۸-۸۹).

### ۱-۲-۳) نمونه‌هایی از اشعار

با تتبع در منابع ادبی عصر جاهلی به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که در آن به توصیف موجودات و حیوانات پرداخته شده است؛ مانند شعری که امرؤالقیس در وصف شب سروده است:

«وَلَيْلٌ كَمَوْجِ الْبَحْرِ أَرْخَى سُدُولَهُ  
فَقُلْتُ لَهُ لَمَّا تَمَطَّى بِصُلْبِهِ  
الايهها اللَّيْلُ الطَّوِيلُ أَلَا انْجَلِي  
عَلَى بِأَنْوَاعِ الْهُمُومِ لِيَبْتَلِي  
وَأَرْدَفَ أَعْجَازًا وَنَاءً بِكَلْكَلِ  
بِصُبْحٍ وَ مَا الْإِصْبَاحُ فَيْكُ بِأَمْثَلِ»  
(الحسنی الندوی، ۲۰۰۲ م: ۹۹-۱۰۰).

یعنی؛ «سوگند به شب که مثل موج دریا پرده‌های سیاهش را با انواع اندوه و غم بر من گسترانیده تا بیازماید!

گفتم به او زمانی که با قدرتش امتداد یافت و درحالی که شگفتی‌ها را بر ترک خود سوار کرده بود و دور شد.

هانی شب طولانی صبح نکن که صبح کردن تو چیزی جز پنهان‌شدن نیست.»

یا شعر طرفه بن العبد که به توصیف شتر پرداخته است:

«وَأَيُّ لَامِضِي الْهَمِّ عِنْدَ احْتِضَارِهِ      بَعُو جَاءَ مِرْقَالٍ تَرُوحُ وَ تَغْتَدِي»

یعنی؛ همانا من غمرا هنگام آمدنش ادامه نمی‌دهم، به خاطر داشتن ماده شتر لاغر تندروری که شامگاه به آغل برمی‌گردد و بامدادان می‌رود.

یکی دیگر از شاعران دوره جاهلی که در اشعار خود به توصیف طبیعت پرداخته، عبید بن ابرص از شاعران مشهور جاهلی است. در قصاید این شاعر، بسیار به وصف شتر، اسب، بیابان و... پرداخته شده است. اشعاری از وی که درباره شتر سروده است، مشاهده می‌شود که چگونه شاعر به توصیف شتر می‌پردازد و اشاره به مهره‌های شتر و محکم بودن آنها کرده است و به توصیف گشادگی پیشانی شتر پرداخته است (ر.ک؛ عصاره، ۱۳۹۱: ۲۰۷-۲۲۵).

توصیف طبیعت یکی دیگر از موضوع‌هایی است که در ادبیات عرب جاهلی رواج داشته است و عبید نیز در اشعار خود به آن پرداخته است؛ برای نمونه، وی در شعری آورده است:

«فَدَعَا هَدِيلاً سَاقُ حَرَصَحْوَهُ      فَدَنَا الْهَدِيلُ لَهُ يَصُبُّ وَ يَصْعَدُ  
وَبَدَا بِكُوكِبِهَا صَعِيدٌ مِثْلَ مَا      رِيحُ الْعَبِيرِ عَلَى الْمَلَابِ الْأَصْفَدُ  
أَرَقْتُ لِضَوْءِ بَرْقٍ فِي نَشَاصٍ      تَلَأَ لِأَفِي مُمْلَأَةً غِصَاصٍ»

(همان).

شاعر در بیت اول به توصیف رفتار قُمَری نر و ماده می‌پردازد و قُمَری نر با آواز سردادن موجب می‌شود که قُمَری ماده به آن نزدیک شود. همچنین در ابیات دیگر نیز به توصیف طبیعت، آذرخش و ابر پُرباران می‌پردازد. اما همان‌گونه که این توصیف‌ها در دوره جاهلی رواج داشته، در دوره صدر اسلام نیز وجود داشته است، چراکه ادب جاهلی با ادب اسلامی رابطه‌ای دوسویه دارد و هر دو از یکدیگر اثر پذیرفته‌اند، چنان‌که تعالیم اسلام با عمق بخشیدن به موضوع و محتوای متون ادبی بر ادبیات جاهلی تأثیر گذاشته است و ادب اسلامی نیز در اسلوب و فنون ادبی از ادبیات جاهلی پیروی کرده است (ر.ک؛ مردانی، بی تا: ۱).

ظهور اسلام در جزیره العرب، علاوه بر آنکه موجب تغییر عادات، اخلاق و سایر احوال عرب جاهلی گردید، در اشعار و ادبیات عرب نیز به وضوح تأثیرگذار بود. اعراب پیش از اسلام به انساب و قبایل خود فخر می‌ورزیدند و در وصف قبایل خود اشعار زیادی را سروده، هر چه می‌توانستند نسب خود را بالا می‌بردند. اما بعد از ظهور اسلام، همه این قبایل و طایفه‌ها زیر پرچم اسلام به یک طایفه تبدیل شدند و در بسیاری از اشعار خود به مدح اسلام پرداختند. از این رو، می‌توان گفت که فرق بین ادبیات عرب جاهلی با ادبیات اسلام در حکمت و بلاغت آنهاست؛ یعنی خطبا و شعرا به تقلید از اسلوب قرآن و با اقتباس از آیات کتاب وحی به شعر و سخنرانی می‌پرداختند (ر.ک؛ زیدان، ۱۹۹۲ ن. ج ۱: ۱۸۷)؛ برای نمونه، نابغة الجعدی یکی از شعراء مخضرمین است<sup>۴</sup> که در دوره جاهلیت جزء مفاخر قوم خود بود. وی یکی از شاعرانی است که از گمراهی و ضلالت رو به اسلام آورد و در راه خدا جهاد کرد و در شب و روز به تلاوت قرآن مشغول بود. وی با اقتباس از قرآن و سبک ادبی آن شعری را در وصف آفرینش انسان سرود:

«الخالق الباری المصوّر فی الـ	أرحامِ ماءٍ حتّی یصیرَ دَمًا
مِن نطفةٍ قَدّها مقدرّها	یخلُقُ مِنْهَا الأَبْشَارَ والنَّسَمَا
ثُمَّ عِظَامًا أَقَامَهَا عَصَبٌ	ثُمَّتْ لَهَا كَسَاءٌ فَأَلْتَأَمَا
ثُمَّ كَسَا الرّأْسَ والعَوَاتِقَ أَب	شَارًا وِجْلَدًا تَخَالَهُ أَدَمَا»

(ضیف، بی تا: ۱۰۳).

یعنی؛ آفریننده پیکرساز، آب را در رجم‌ها به خون تبدیل کرد و نطفه را در محلّ مقدّر شده به دو نیم کرد و از آن نطفه، بشر و جانداران را خلق کرد. سپس استخوان‌ها را بر پای داشت و دستگاه عصبی را خوب پوشانید. پس درست شد. سپس روی آنها را با پوست پوشانید که لایه درونی را حفظ کند.

از این رو، می‌توان به این نتیجه رسید که اصل توصیف حیوانات، نباتات و... چه در عصر جاهلی و چه در صدر اسلام وجود داشته است.

## ۳-۲-۲) متون ادبی عصر جاهلی

در عصر جاهلی، خطبای مشهوری بودند که هر کدام بر حسب موقعیت به سخنرانی‌های مختلف وعظی، حماسی و ... می‌پرداختند. یکی از خطیبان مشهور جاهلی که آسقف نجرانی نیز بوده، قس بن ساعدة ایادی است. قس بن ساعدة در بازار عکاظ خطبه و عظیمه‌ای را ایراد می‌کند که بسیار زیباست. او به هنگام انذار و موعظه مردم از توصیف طبیعت، مانند دریاها و موج‌دار، آسمانی که دارای برج‌هایی است و یا ستارگان درخشان و ... استفاده کرده است. او در بخشی از خطابه خود این گونه سخن رانده است: «أيتها الناس إسمعوا وعوا، وإذا وعيتم فانقعوا. إنه من عاش مات، ومن مات فات، وما هو آت آت، مطرو نبات و ارزاق و اقوات، و آب و امهات، و أحياء و أموات و جمع و شتات، و يأت بعد يأت، ليل موضوع و سقف مرفوع و نجوم تغود و أراضى تمور و بحور تموج، و تجارة تروج، وضوء و ظلام، و بر و آلام، و مطعم و مشرب و ملبس و مركب، ألا أين أبلغ العظمت، السّير فى الفلوات، والمنظر إلى محلّ الأموات، إنّ فى السّماء الخبراء، و إنّ فى الأرض العبرا، ليل داج، و سماء ذات أبراج و أرض ذات أرتاج، و بحار ذات أمواج...» (نوری، ۱۹۹۸ م: ۴۵۳).

## ۳-۲-۳) متون ادبی عصر اسلام

نمونه متونی که در آن به توصیف اشیاء پرداخته شده است، سخنرانی یکی از یاران امام علی<sup>(ع)</sup> به نام صعصعة بن صوحان است. صعصعة در زمان پیامبر<sup>(ص)</sup> مسلمان شد، اما به زیارت او نایل نیامد. وی که از یاران نزدیک امام علی<sup>(ع)</sup> به شمار می‌رفت، سخنوری چیره‌دست و پُرآوازه نیز بود. معاویه بارها تلاش کرد تا صعصعة به گونه‌ای بر علی<sup>(ع)</sup> طعنه زند، اما چیزی جز رسوایی بهره‌اش نشد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۲۹۳-۲۹۵). بنا به نقلی، امام علی<sup>(ع)</sup> در مورد او فرمود: «هَذَا الْخَطِيبُ الشَّحْشَحُ...» (شوشتری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۵)<sup>۴</sup>.

صعصعة بن صوحان در یکی از گفتگوهای خود با معاویه به توصیف خرما پرداخت و این توصیف را به قدری زیبا بیان کرد که انسان به فکر فرو می‌رود که وقتی شاگرد علی<sup>(ع)</sup> این همه بهره سرشار از بلاغت دارد، معلّم و پیشوای او چه جایگاهی دارد!

«صعصعه نزد معاویه چنان زیبا سخن گفت که عمر بن عاص بر او حسد برد و گفت: این [مرد] خرما را بهتر از سخن می‌شناسد! صعصعه گفت: آری، خوبترین خرما آن است که هسته‌اش باریک (کم‌قطر) و پوستش نازک و گوشتش زیاد باشد. باد آن را فربه می‌سازد و خورشید آن را بار می‌آورد و سرما آن را سخت می‌کند» (همان، بی‌تا، ج ۵: ۴۹۷).

### ۳-۲-۴) مستندهای قرآنی کلام امام علی<sup>(ع)</sup>

یکی از مسائل که قرآن کریم در مسیر هدایت و عبرت‌آموزی انسان مطرح نموده است، توجه به خلقت حیوان و انسان است، چنان‌که بخش قابل توجهی از آیات قرآن را آفرینش، نحوه زندگی، خصوصیات، احکام و منافع حیوانات تشکیل می‌دهد<sup>۵</sup>. همچنین می‌توان آیات بسیاری را در مورد آفرینش انسان در این کتاب مقدس مشاهده کرد که همه این امور با فرهنگ و زبان مخاطب عصر نزول همخوانی داشته است<sup>۶</sup>.

در مثل، عرب برای اسب اهمیت فراوانی قائل بوده، توجه خاصی به آن مبذول می‌داشت. او از اسب برای تفریح و تفریح، جنگ‌آوری، کوچ و اقامت استفاده می‌کرد. از این روست که قرآن نیز توجه و عنایت اعراب به اسب را از نظر دور نداشته است و برای اسبان، بهترین تعریف‌ها و تمجیدها را آورده است (ر.ک؛ ابوالحب، ۱۳۸۰: ۸۵). برای نمونه، می‌توان به سوره‌های عادیات اشاره کرد که اسب‌ها با کوبش سُم‌هاشان بر سنگ‌ها شعله برمی‌انگیزند و در صبحگاهان بر دشمن یورش می‌برند و اجتماع دشمن را زیر و رو می‌کنند (ر.ک؛ العادیات/ ۴-۱). همچنین فیل حیوان دیگری است که علی‌رغم عدم وجود آن در سرزمین حجاز، در قرآن کریم از آن یاد شده است و قصه آن در تاریخ عرب قبل از اسلام معروف است (الفیل/ ۲-۱).

قرآن درباره آفرینش انسان نیز بسیار سخن گفته است و خداوند متعال در سوره‌ها و آیات فراوانی به نوع آفرینش انسان اشاره فرموده است؛ برای نمونه در سوره مؤمنون می‌فرماید: «همانا ما آدمی را از گِلِ خالص آفریدیم. پس آنگاه او را نطفه گردانیدیم و در جای استوار قرار دادیم. آنگاه آن نطفه را علقه و علقه را گوشت‌پاره و باز آن گوشت را استخوان و آنگاه بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم. پس از آن خلقتی دیگر انشاء نمودیم. آفرین بر قدرت کامل بهترین آفریننده» (المؤمنون/ ۱۲-۱۴). یا در سوره غاشیه به توصیف خلقت شتر پرداخته به نوع آفرینش آسمان، کوه‌ها و گسترده

بودن زمین اشاره می‌کند: «آیا مردم در خلقت شتر نمی‌نگرند که چگونه خلق شده است؟ و در خلقت کاخ آسمان بلند فکر نمی‌کنند که چقدر و چگونه به استحکام، نظم گردش، اشعه و انوار نیکو آفریده‌اند و کوه‌ها را نمی‌بینید که چگونه بر زمین برافراشته‌اند و به زمین نظر نمی‌کنند که چگونه گسترده‌اند» (الغاشیه / ۱۷-۲۰).

مطالعه و تأمل در نمونه‌های یاد شده، می‌تواند دو نتیجه و پیامد علمی داشته باشد: ۱- اصل توصیف‌های حیوانات، نباتات و ... در عصر جاهلی و اسلام وجود داشته است. ۲- محتوای توصیفات امام<sup>(ع)</sup> درباره حیوان و انسان هم در عصر جاهلی و هم در صدر اسلام سابقه داشته است.

#### ۴- پاسخ به شبهه طاووس

توصیف طاووس در نهج‌البلاغه از جمله موضوع‌هایی است که علاوه بر سبک و اسلوب، از منظر دیگر نیز مورد انتقاد قرار گرفته است. برخی مخالفان نهج‌البلاغه می‌گویند: «علی بن ابی‌طالب<sup>(ع)</sup> از کجا طاووس را دیده بود که این چنین وصف می‌کند؟ امام حتی به وصف رنگ‌های پَر طاووس و نوع آمیزش این حیوان نیز اشاره می‌کند. آنان می‌گویند در عربستان طاووس زندگی نمی‌کند تا علی<sup>(ع)</sup> آن را ببیند و وصف کند. بنابراین، این خطبه نمی‌تواند از علی<sup>(ع)</sup> صادر شده باشد (ر.ک؛ امین، بی‌تا؛ درویش، ۱۹۶۷ م. و عبده، بی‌تا: مقدمه). در پاسخ باید گفت که اولاً زندگی نکردن یک حیوان در یک منطقه جغرافیایی به معنای عدم وجود آن حیوان در آن منطقه نمی‌باشد. ثانیاً در هیچ کجای کلام امام<sup>(ع)</sup> اشاره‌ای وجود ندارد که ایشان طاووس را در حجاز دیده‌اند، بلکه این رؤیت می‌تواند در کوفه و در ایام خلافت ایشان اتفاق افتاده باشد، چنان‌که ابن ابی‌الحدید در شرح خود بر نهج‌البلاغه به این نکته تصریح کرده و آورده است: «ممکن است امیرالمؤمنین در مدینه این حیوان را ندیده باشد، اما در کوفه و عراق که از اطراف و اکناف دنیا برایش هدایا می‌فرستادند، یک جفت طاووس نر و ماده برایش هدیه آورده باشند. پس هیچ بعید نیست که آن حضرت این پرنده را دیده باشد» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۳۷، ج ۹: ۲۷۰).

علاوه بر آنکه با توجه به گزارش کتاب المفصل فی تاریخ العرب که از ورود طاووس به شهر یمامه خبر داده است (ر.ک؛ جواد، ۱۹۹۱ م، ج ۱: ۱۸۰)، احتمال مشاهده طاووس در سرزمین

حجاز همچنان مطرح می‌باشد. این غیر از یادکردی است که در اشعار عرب جاهلی از طاووس صورت گرفته است، چراکه اگر مردم عربستان با این حیوان بیگانه بودند، چگونه آن را در اشعار خود ذکر می‌کردند؛ برای نمونه، رؤبه بن عجاج شاعر معروف عرب گفته است:

«کما استوی بیض النعام الاملاس      مثل الدمی تصویرهن أطواس»  
(عطاردی قوچانی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۵۰۳).

### نتیجه‌گیری

یکی از مباحث درخور توجه در مطالعات نهج‌البلاغه، بررسی و نقد شبهه‌هایی است که بر این کتاب شریف وارد شده است. یکی از این شبهه‌ها، توصیف‌های دقیق امام علی<sup>(ع)</sup> درباره آفرینش حیوان و انسان است. برخی نویسندگان اهل سنت مانند احمد زکی صفوت، احمد امین، محمد محیی‌الدین عبدالحمید، سید کیلانی، محمد طاهر درویش و... به این شبهه تمسک کرده‌اند و چنین گفته‌اند که توصیف‌های یادشده مربوط به عصر امام<sup>(ع)</sup> نبوده، بلکه در عصر خلفای عباسی رواج داشته است. لیکن با بررسی مستندات موجود و پیگیری شواهد تاریخی چنین به دست آمد که شبهه یاد شده ارزش علمی ندارد و بسیار ضعیف است، چراکه حتی برخی از ناقدان مانند احمد زکی صفوت و محمد محیی‌الدین عبدالحمید، خود آن را تضعیف کرده‌اند. علاوه بر آنکه به استناد شواهد فراوان تاریخی، توصیف حیوانات، نباتات و ... هم در عصر جاهلی وجود داشته است (مانند توصیف شب از سوی امرؤالقیس) و هم در صدر اسلام (مانند شعری که از نابغه جعدی در توصیف آفرینش انسان نقل گردید و یا نمونه‌های مذکور از قرآن کریم در باب آفرینش انسان، ویژگی کوه‌ها و زمین و ...). اما درباره شبهه طاووس نیز باید گفت که علاوه بر امکان رؤیت طاووس در شبه‌جزیره عربستان، طاووس در کوفه دیده شده است نه در عربستان! لذا بر اساس تحلیل تاریخی صورت گرفته و ذکر مستندهایی که مربوط به دوره جاهلی و اسلام بود، این نتیجه دست داد که شبهه‌های وارده در باب این موضوع، اعتبار ندارد و نمی‌تواند هیچ خدشه‌ای به ساحت نهج‌البلاغه وارد سازد.

#### پی نوشت‌ها:

- ۱- افرادی مانند ذهبی (م. ۷۴۸ ق.) در اثر خود به نام *میزان الاعتدال*، (ر.ک؛ ذهبی، ج ۳: ۱۲۴)، ابن حجر عسقلانی (م. ۸۵۲ ق.) در *لسان المیزان* (ر.ک؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۴: ۲۲۳) و شوقی ضیف (معاصر) در کتاب *اللغة العربیة العصر الإسلامی* سخنان ابن خلکان را تکرار کرده‌اند.
- ۲- کتاب‌هایی مانند *خطب علی نوشته عبدالعزیز بن یحیی جلودی*، کتاب زید بن وهب با عنوان *خطب امیرالمؤمنین علی المنابر فی الجمع و الأعیاد*، شرح *نهج البلاغه* ابن میثم (قرن ۷)، شرح *ابن ابی‌الحدید*، مستدرک *نهج البلاغه* تألیف هادی کاشف‌الغطاء و بسیاری کتب دیگر.
- ۳- مخضرم به شعرا و خطبایی اطلاق می‌شود که هم‌عصر جاهلی و هم‌عصر اسلام را درک کرده باشند؛ مانند حسان بن ثابت، ابوذؤیب هذلی و ...
- ۴- ترجمه عبارت: این، سخنران ماهر و توانایی است.
- ۵- برای نمونه، خداوند در این آیات درباره منافع حیوانات، خصوصیات و ... سخن می‌فرماید (ر.ک؛ الأنعام/ ۱۴۲ و النحل/ ۵، ۸، ۱۴ و ۶۸).
- ۶- برای نمونه، خداوند متعال در آیات ذیل به مراحل خلقت انسان اشاره کرده است (الروم/ ۲۰؛ الفرقان/ ۵۴؛ الطارق/ ۵-۷ و غافر/ ۶۷).

#### منابع و مأخذ

##### قرآن کریم.

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله. (۱۳۳۷). *شرح نهج البلاغه*. تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- ابن خلکان اربلی، شمس‌الدین احمد. (بی‌تا). *وفیات الأعیان*. تحقیق احسان عباس. قم: منشورات شریف الرضی.
- ابوالحب، جلیل. (۱۳۸۰). *نگاهی به دنیای حیوانات در قرآن کریم*. ترجمه تقی متقندی. چاپ اول. قم: بوستان کتاب.
- الأسدی، عادل حسن. (۲۰۰۷م.). *مع المشککین فی نهج البلاغه*. بی‌جا: مکتبه العزیزی.



الحسن الندوی، محمد واضح رشید. (۲۰۰۲ م.). *تاریخ الأدب العربی العصر جاهلی والعصر الإسلامی*. چاپ دوم، دمشق: دار ابن کثیر.

الحسنی الندوی، محمد واضح رشید. (۲۰۰۲ م.). *تاریخ الأدب العربی العصر جاهلی والعصر الإسلامی*. چاپ دوم، دمشق: دار ابن کثیر.

امین، احمد. (بی تا). *فجر الإسلام*. بی جا: لجنة التألیف و الترجمة والنشر.  
جواد، علی. (۱۹۹۱ م.). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*. بغداد: جامعة البغداد.  
جمعه، حسین. (۲۰۱۰ م.). *الحيوان فی شعر جاهلی*. سوريا: دار رسلان.  
درویش، محمد طاهر. (۱۹۶۷ م.). *الخطابة فی صدر الإسلام*. القاهرة: دار المعارف.  
زیدان، جرجی. (۱۹۹۲ م.). *تاریخ أدب اللغة العربیة*. بیروت: منشورات دار المكتبة الحیاة.  
سید کیلانی، محمد. (۱۹۴۷ م.). *اثر التشیع فی الأدب العربی*. القاهرة: لجنة النشر للجامعيين.  
*شرح نهج البلاغه*. (۱۳۷۵). تصحیح عزیزالله عطاردی. چاپ اول. قم: بنیاد نهج البلاغه؛ انتشارات عطارد.  
شرف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۸). *نهج البلاغه*. ترجمه جعفر شهیدی. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات علمی فرهنگي.

شوشتری، محمد تقی. (۱۳۷۶). *بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغه*. نوبت اول. تهران: امیر کبیر.

\_\_\_\_\_ . (بی تا). *قاموس الرجال*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين قم.

صفوت، احمد زکی. (۲۰۰۷ م.). ترجمه *علی بن ابی طالب*. به نقل از کتاب مع المشککین فی النهج البلاغه از عادل حسن الأسدی. مكتبة العزیزی.

ضیف، شوقی. (بی تا). *تاریخ الأدب العربی (العصر الإسلامی)*. الطبعة العشرون. القاهرة: دارالمعارف.

عبده، محمد. (بی تا). تصحیح عبدالحمید محمد محیی الدین. *شرح نهج البلاغه*. القاهرة: مطبعة الإستقامة.

عصاره، عاطفه. (۱۳۹۱). «وصف در دیوان عبید بن ابرص». *مجلة اللغة الأدب العربی*. شماره ۲.

عطاردی قوچانی، عزیزالله. (۱۳۷۹). *امیرالمؤمنین و نهج البلاغه*. تهران: عطارد.

محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۹). *دانشنامه امیرالمؤمنین (ع)*. ترجمه عبدالهادی مسعودی. قم: مؤسسه علمی فرهنگي دارالحديث.

مردانی، مهدی. (بی تا). *بازیابی کتاب زید بن وهب جهنی به عنوان یکی از مصادر کهن نهج البلاغه*. پایان نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه قرآن و حدیث.

نوری، محمودی القیسی و عادل جاسم البیاتی. (۱۹۸۸ م.). *تاریخ الأدب العربی قبل الإسلام*. بی جا: وزارة التعليم العالی و البحث العلمی.